

# فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً

مِنْ لَيْسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چی (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي."

اگست 2016

شوال 1437

شماره دو صد و بیست و هشتم

## مسائل فقهی

### خواندن نماز به تنهایی در عقب صف

روشنی دو حدیث استدلال کرده اند که نماز مقتدی در صف به تنهایی جواز ندارد و صحیح نیست. و همچنان امام النخعی و الحسن بن صالح و إسحاق و حماد و ابن ابی لیلی و وکیع و در مذهب امام احمد نماز مقتدی به تنهایی عقب صف جواز ندارد. لیکن سه امام دیگر (ابو حنیفه، مالک، شافعی) می گویند که صحت دارد لیکن با کراهیت.

ظاهر این احادیث، نظر امام احمد را تقویت میدهد و همچنان از حکمت اسلام و قوانین آن هم است که باید مسلمانان در صف یکجا با جماعت ایستاده شوند.

اسلام جماعت را نیک تفرقه رازشت می داند و نماز جماعت یکی از وسائلی است که اسلام پیروان خود را به واسطه آن تربیت می کند.

بدین لحاظ رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از نیت روی خود را بطرف مقتدیان گشتانده امر میکرد که صف های خود را منظم سازند و تسویه صفوف را از اتمام نماز می دانست.

مگر در حالت عذر اگر کسی در عقب صف ایستاده می شود مانع نیست مثلاً اگر داخل مسجد شود و صف ها تکمیل باشد و در بین صف ها جای نباشد که

در شب های مبارک رمضان و در نماز تراویح همیشه امام از مقتدی ها دعوت میکرد که صف ها را منظم کنند و به تنهایی در صف نباید کسی ایستاده شود اما متأسفانه تا آخر رمضان این مشکل حل نشد. برای روشنی مطلب نظر دکتور یوسف القرضاوی را می آوریم. دکتور یوسف القرضاوی می نویسد:

امام احمد از علی بن شیبان روایت میکند که رسول الله صلی علیه وسلم شخصی را دید که در عقب صف به تنهایی نماز می خواند، انتظار کشید تا نماز خود را تمام کند و بعداً برایش گفت: {استقبل صلاتک، فلا صلاة لمنفرد خلف الصف} \* نماز خود را دوباره اداء کن، نماز به تنهایی عقب صف نیست.

امام احمد و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه از وابصه بن معبد روایت میکنند: رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی را دید که در عقب صف به تنهایی نماز می خواند، ویرا امر کرد که نماز خود را دوباره بخواند.

دو حدیث فوق را جماعت از امامان صحیح می گویند و شیخ الاسلام ابن تیمیّه و طایفه ای از علما و امامان در

برای خودش صحیح باشد برای دیگران امامت وی صحیح است.

### کسیکه امامت اش صحیح نیست:

شخصیکه عذر داشته باشد یعنی باد از وی خارج شود و مریضی تسلسل بول داشته باشد.

### کراهیت امامت شخص فاسق:

قبلا اشاره شد که هر شخصیکه نمازش برای خودش صحیح است امامت وی برای دیگران نیز صحیح میباشد بدلیل اینکه عبدالله بن عمر رضی الله عنهما در عقب حجاج نماز اداء کرد و أبو سعید عقب مروان و عبدالله بن مسعود عقب الولید به عقبه که شراب نوشیده بود نماز را چهار رکعت اداء نمود نماز خواند و همچنان تعدادی از صحابه و تابعین عقب ابن ابی عبید که متهم به الحاد بود نماز خواندند.

با این هم اقتداء عقب امام فاسق را علماء اجازه نمیدهند. بطور مثال شخصی در حضور حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم در محراب آنحضرت تف نمود، پیغمبر فرمود که در عقب این شخص نماز نخوانید و بعد از وفات آنحضرت هیچکس برایش اجازه نداد که امامت کند و برایش میگفتند که تو خدا و پیغمبر خدا را اذیت نمودی. پس انسان فاسق کوشش کند که امامت نکند و اگر اصرار نماید نماز گذاران حق دارند ویرا از امامت منع نمایند. در کراهیت ادای نماز احادیث زیادی آمده که شخص نباید امامت یک قوم را بکند که آن قوم وی را خوش ندارند و کراهیت باید اساس آن کراهیت باساس دین باشد نه شخصی و دنیوی و اسباب شرعی داشته باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم درین مورد می فرمایند: (ثلاثة لا يقبل الله منهم صلاة: من تقدم قوما و هم له کارهون، و رجل أتى الصلاة دبارا و رجل عتبد محرره) سه دسته از مردم خداوند نماز شانرا قبول نمیکند: شخصیکه مردم وی را خوش ندارند لیکن برای امامت پیش میشود، شخصیکه برای نماز میآید لیکن وقتیکه وقت آن گذشته میباشد یعنی در آمدن به جماعت تأخیر میکند، شخصیکه غلام خود را بعد از آزادی آن به غلامی بگیرد.

ایستاده شود در این حالت نمازش صحت دارد و بعضی علما اجازه میدهند که یک نفر را از صف بیرون کند و با وی صف بسته کند در حالیکه تعدادی دیگر از علما می گویند که این یک عمل خوب و پسندیده نیست و ظلم است که یک شخص را از صف بیرون کرد. و الله أعلم.

### حق امامت

در بعضی از مجالس در وقت نماز جماعت ملاحظه میشود که در مورد امامت مناقشه صورت میگیرد برای توضیح این مشکل امید است این حکم فقهی را بدقت مطالعه فرماید:

حق داشتن امامت را فقه اسلامی اینطور شرح میدهد: بهترین همه در حفظ قرآن و فهم آن. اگر در این مورد تعدادی با هم مساوی بودند بهترین شان در فهم سنت و اگر در این مورد مساوی بودند قدیمترین همه در هجرت و اگر مساوی بودند بزرگترین همه در سن.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند:

( لا يحل لرجل يؤمن بالله واليوم الآخر أن يؤم قوما الا باذنهم و لا يخص نفسه بدعوة دونهم فان فعل فقد خانهم). برای مردیکه به خدا و روز قیامت ایمان دارد اجازه نیست قوم یعنی مردم را امامت کند مگر با اجازه ایشان و نباید دعوت را حق خود و مختص بخود بشمارد و اگر اینطور نمود بحق مردم خیانت میکند.

### امامت کدام شخص صحیح است:

امامت بینا برای نا بینا و نشسته برای ایستاده و ایستاده برای نشسته، وضودار برای تیمم دار و تیمم دار برای وضو دار، مسافر برای مقیم و مقیم برای مسافر، فاضل برای غیر فاضل زیرا حضرت عمرو بن سلمه شش سال عمر داشت که امامت قوم خود را نمود و حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دو مرتبه أم مکتوم را بنیابت خود برای نماز تعیین نمود و أم مکتوم نا بینا بود. در فقه قاعده عمومی است که هر شخصیکه نمازش

استاد عبدالله سمندر غوریانی

### الصرف أم العلوم و النحو ابوها

لفظ مفرد و مرکب به اعتبار معنی و دلالت به اقسام ذیل شناخته شده است:

1) لفظ جزء ندارد و معنی آن جزء دارد مثل همزه استفهام « رأ » که لفظ آن جزء ندارد اما معنی آن دو جزء که یکی (همزه) است و دیگری استفهام.

2) لفظ جزء دارد و معنی آن جزء ندارد مثل (نقط) که دارای چهار حرف است (ن.ق.ط.ه) اما معنی آن بسط است.

3) لفظ جزء دارد و معنی هم جزء دارد و جزء لفظ دلالت بر جزء معنی نمیکنند مثل لفظ انسان که بر حیوان ناطق دلالت دارد مگر لفظ (ان) به هر حیوان و (انسان) بر ناطق دلالت ندارد.

4) لفظ جزء دارد. معنی هم جزء دارد جزء لفظ بر جزء معنی هم دلالت میکند مگر معنی آن مفصود نیست به طور مثال وقتیکه لفظ عبدالله برای یک فرد انتخاب می گردد برای آنست که از برادر خود عبدالرحمن متمایز گردد. همین الآن پس از فراغت از فقرأ (5) در رابطه اسم با مسمی اشارتی داریم.

5) لفظ جزء دارد و معنی هم جزء دارد و جزء لفظ بر جزء معنی هم دلالت دارد و معنی هم مقصود است مثل عبدالله که در آیه (30) آمده که میخوانیم: (قال إني عبدالله) «گفت عیسی علیه السلام که {به تحقیق که بنده خدا هستم}».

در رابطه اسم با مسمی عقائد و آراء متفاوت است. بعضی از علماء باین قاعده رفته اند که اسم غیر از مسمی است و عده دیگر به این باور اند که اسم عین مسمی است و نظر شیخ ابن تیمیه این است که «الأسم للمسمی» (اسم برای مسمی است) رجوع کنید به مبحث توحید اسماء و صفات.

حال ترکیب (اهل کتاب) را ملاحظه نمائیم که در ادبیات کلامی، و در قرآن موارد استعمال فراوانی دارد. آیا از ترکیب (عبدالله) در حال اسم خاص و یا از نوع عبدالله در آیه (30) از سوره مریم است که میخوانیم: (قال انی عبدالله).

قول اکثر علماء این است که اهل کتاب خاص است برای امت حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما و علی نبینا الصلوة و السلام. که شرک آورده و گفته اند که عزیر ابن الله و المسیح ابن الله. مگر بررسیهای ما نشان میدهد که اهل کتاب بر امت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نیز اطلاق شده است. بخوانید:

باب: 1432

حدیث: 2354 عن عقبه بن عامر قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول سیهک من أمة اهل الكتاب قال عقبه: قلت ما اهل الكتاب یا رسول الله قال قوم یتعلمون کتاب الله یجادلون به الذین آمنوا. هذا حدیث صحیح الأسناد لم یخرجاه طبری (45/11) واقعه الذهبی.

(مستدرک حاکم نیشاپوری. مجلد دوم قسمت دوم. دار الکتاب العربی، بیروت. لبنان، طبع 2008، ص 286.

(حدیث 2354: از عقبه بن عامر رضی الله عنه (آمده) که گفته است شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند بزودی اهل کتاب از امت من به هلاکت میرسد. عقبه گفت کدام (گروه) از اهل کتاب اند ای رسول خدا. گفت گروهی که کتاب الله را تعلیم می گیرند و با آن با کسانی که ایمان آورده اند مجادله میکنند.

اسناد این حدیث بدرجه (صحت) رسیده و بخاری و مسلم آنرا تخریج نکرده اند. معجم (45/11) امام ذهبی با آن موافقت کرده است.

فضل غنی مجددی

## تعریف عقل

مدرک است. در این فرهنگ عقل در مقابل غریزه نیز بکار برده شده است و همچنان انسان به حیوان عاقل و هم به اصطلاح تفکر و استدلال آمده است. در مورد عقل آمده که عقل وسیله تمیز و فرق و تفاوت بین خیر و شر و خوبی و زشتی و حق و باطل است. در آخر تعریف عقل در این فرهنگ می خوانیم: عقل مجموع روش و سلوک مثل تذکر، تفکر و ادراک و همچنان عقل مرادف به تجربه شعوری تعریف شده است.

دکتر فرج طه در فرهنگ علم نفس در مورد تعریف عقل می نویسد: مقصد از عقل ذکاوت ذهن است مثلاً اگر بگویم که فلان شخص عقل ممتاز دارد یا صاحب عقل عالی است مقصد این است که شخص دارای درجه عالی از ذکاوت و فهم است و اگر گویم فلان شخص ضعیف عقل است یعنی در ذکاوت ضعیف است، و اگر بگویم که فلان شخص مریض عقلی است باین معنی است که به مرض جنون مبتلاء می باشد. (مفهوم عقل، اسلام ویب Library.islamweb.net.)

ابن منظور در تعریف عقل می گوید: عقل مصدر عقل، یعقل، عقلا و معقول است و اضافه میکند که عقل وسیله تمیز و فرق است که بین انسان و حیوان به دلیل آن تفاوت می شود و انسان با داشتن عقل نسبت به دیگر حیوانات متفاوت می گردد. (ابن منظور «لسان عرب جلد اول، صفحات 458-459».)

الحارث المحاسبی کتاب بزرگ خود را در مورد عقل بنام «مائیة العقل و معناه و اختلاف فیه» تألیف نمود. او در کتاب خود تعاریفات علمای ما قبل خود را در مورد عقل انتقاد میکند. الحارث می گوید که عقل نزد علماء سه معنی دارد.

1. عقل غریزه است.
2. عقل فهم است.
3. عقل بصیرت است.

الحارث تأکید میکند که عقل غریزه است که خداوند در بندگان خود قرار داده است و اضافه میکند که عقل غریزه ای است که حس و فهمیده نمیشود مگر به افعال و کردار در قلب و جوارح یعنی اعضای بدن و انسان قدرت صفت کردن عقل را در

در فرهنگ ادبیات اسلامی عقل به غریزه در وجود انسان تعریف شده است که در موجودیت آن انسان از حیوان تفاوت می کند و انسان بیک موجود با مسئولیت تبدیل می شود. با داشتن عقل انسان تعقل می کند و تفاوت و فرق بین مصلحت و مضرت را درک می نماید. امام احمد بن حنبل در مورد عقل می گوید: عقل غریزه است در نفس انسان و قوت آن بحدی قوت دیدن در چشم است. (http://www.elthwed.com)

حجت الاسلام و المسلمین امام حامد الغزالی در تعریف عقل می گوید: عقل صفت است که فرق بین انسان و حیوان را میکند. الماوردی در مورد عقل می گوید: غریزه عقل حقیقت است و به سبب آن انسان مکلف به امور شرعی می شود و عقل علامه فرق بین انسان و حیوان است. ابن تیمیه می گوید: عقل شرط برای معرفت علوم و کمال و صلاح اعمال انسان است و بواسطه عقل علم و عمل به تکامل میرسد. ابن تیمیه در تعریف عقل در کتاب دیگر خود می نویسد: عقل غریزه است که بواسطه آن انسان تعقل میکند. ابن تیمیه «المرتاد» صفحات 260-263.)

سفیان بن عیینه در مورد عقل می گوید: بواسطه عقل انسان خیر و شر را میداند و عاقل کسی است که خیر را بداند و به آن عمل کند و شر را بداند و از آن دوری نماید. در قرآن کریم می خوانیم: «قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير» اگر می شنیدیم و تعقل می کردیم امروز در جمله مردمی که در مشکلات بودند نمی بودیم.

دوری از معصیت ثمره و نتیجه و فائده عقل است و گروه از علماء عقل را به چهار معنی تعریف می کنند: غریزه، علوم ضروری، علوم کسب شده و عمل کردن به علم و برای تفسیر این معانی ابن تیمیه می گوید: عقل علم یا عمل به علم است و غریزه همین را می خواهد. ([www.alifta.net](http://www.alifta.net).)

در المعجم الوسیط کلمه عقل به این معانی آمده: عاقله، عقال، عاقول، عقول و غیره. معانی که از عقل در المعجم الوسیط آمده عبارت است از عقل عقلا یعنی ادراک اشیاء به حقیقت آن و عاقل شخصی است که ادراک کامل دارد و

## فرهنگ و ثقافت اسلامی

( ویب سایت فقه اسلامی )

[www.Islaminfo.one](http://www.Islaminfo.one)

ویب سایت جدید فقه اسلامی بنام فرهنگ و ثقافت اسلامی را برای هموطنان گرامی در داخل و خارج افغانستان تبریک عرض می‌داریم. ویب سایت به قسمت های متعدد تقسیم شده: صفحه نخست، در باره ما، کتابهای های اسلامی، سؤالات و جوابات، ماهنامه فقه اسلامی، لینک های مفید، رساله های تحقیقی، تماس با ما. در صفحه نخست تازه ترین مضامین به نشر میرسد. در باره ما، پالیسی و اهداف نشراتی سایت معرفی شده است. در قسمت کتابهای اسلامی، جدید ترین کتاب بزبان دری و پشتو و انگلیسی گذاشته میشود و فعلا پنجاه کتاب گذاشته شده است، ماهنامه فقه اسلامی در اول هر ماه گذاشته میشود. لینک های مفید بهترین مرجع برای هموطنان عزیز ما است و میتوانند مستقیما از لینک های که گذاشته شده است استفاده نمایند. در قسمت رساله های تحقیقی، جدید ترین تحقیقات که با سیاست نشراتی فقه اسلامی موافق باشد گذاشته میشود و فعلا بیست و یک تحقیق جدید گذاشته شده. در قسمت اخیر آدرس الکترونی سایت گذاشته شده و هموطنان عزیز میتوانند در هر وقت با ما به تماس شوند و نظریات و پیشنهادات و سؤالات خود را ثبت نمایند. همچنان کتاب های جدید که برای فروش است به هموطنان گرامی معرفی میشود.

بعد از ماه آینده هموطنان عزیز ما در افغانستان و کانادا و استرالیا و تمام کشور های اروپائی میتوانند فقه اسلامی را مستقیما از سایت بدست آورند.

ادامه نشرات اسلامی ضرورت به کمک مادی و معنوی شما خوانران و برادران دارد و امید است مثل گذشته به کمک های خود ادامه بدهید تا انجمن فقه اسلامی بهترین خدمت را برای ارتقاء فرهنگ و ثقافت اسلامی کرده بتواند. در اخیر از دعای خیر فراموش نسازید.

خود و دیگران ندارد مگر در روشنی اعمال. الحارث المحاسبی تعریف عقل را که امام احمد به این معنی: عقل نور غریزه است که با تجربه زیاد و با علم و حلم قوت می‌گیرد نقد می‌کند.

عده از علماء عقل را بصیرت می‌دانند اما المحاسبی باین نظریه موافق نیست و دلیل او این است که بصیرت فهم حقائق معانی بیان است و حاصل می‌شود بغیر از عقل از جانب الله تعالی بعد از اینکه عظمت خداوند را تعظیم نمود و نعمت ها و احسان الله را تقدیر و اندازه کرد. ([www.alukah.net/culture/0/64948](http://www.alukah.net/culture/0/64948)).

از تعریفات فوق میتوان واژه ای عقل را به عبارت ذیل خلاصه کرد.

«عقل» به نیروی می‌گویند که آماده ای پذیرش علم است. همچنان به علمی که به وسیله آن به دست آید. همچنین «عقال» به معنای طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکند و «عقل» یعنی کسی که نفس خود را حبس کند، و نگذارد که هوی یعنی خواهشات نفسانی به او سرایت نماید. از آنجاکه نیروی عقل انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، به آن عقل گفته می‌شود. در روایات آمده است: «العقل ما عید به الرحمن» ... «ما خلق الله خلقا اکرم علیه من العقل» مراد از آن همان نیروی مهم و درک و معرفت انسانی است، به همین جهت ادراکی که انسان دل به آن می‌بندد و چیزی را با آن درک می‌کند، نیز عقل نامیده می‌شود.

علامه طباطبایی می‌گوید: خدای متعال در قرآن، عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان در دینش از آن بهر مند شود، و به وسیله آن راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نموده و در پیش گیرد. <http://www.islamquest.net/fa/archive.question/f> ([a22931](http://www.islamquest.net/fa/archive.question/f)).

{ جهت مطالعه بیشتر به: فضل غنی مجددی «روش فکر

معاصر اسلامی» مراجعه فرماید. }

محمد فرید حاحی

**تقوا و پرهیز گاری**

تعلیم تقوا و پرهیزگاری یکی از تعلیمات اصولی و اساسی و بنیادی دین اسلام است. مطلب تقوا این است که انسانها بر حساب و کتاب آخرت و پاداش و کیفر آنجا یقین و باور داشته باشند و از عذاب و گرفت الهی بیمناک بوده از تمام کارهای زشت و خلاف دوری کنند و بر دستورات خداوند متعال عمل نمایند. یعنی احکام و مسایلی را که خداوند بر ما فرض گردانیده بر جا آورده و حقوق بندگان را که بر ما لازم کرده مراعات کنیم و کارهای خلاف دین را که حرام و ناجایز کرده از آنها دوری جویم و از عذاب او همیشه بیمناک باشیم. در قرآن کریم و احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به تقوا و پرهیزگاری تأیید و دعوت شده است که در اینجا فقط به ذکر چند آیه و حدیث مبارک اکتفاء می شود.

خداوند متعال در سوره آل عمران آیه 102 چنین می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، بترسید از خدا آنگونه که شایسته ترسیدن است از او بترسید و نمیرید مگر آنکه مسلمان باشید» و در سوره تغابن آیه 61 میفرماید: «پس از خدا بترسید هر قدر توانستید و تمام دستورها و احکام او را بشنوید و فرمان برید». و در سوره الحشر آیه 18 میفرماید: «ای مسلمانان بترسید از خدا و باید هر کس توجه کند که برای فردا چه پیس فرستاده و بترسید از خدا هر آئیه خدا خبر دار است به آنچه میکنید». به همین ترتیب در سوره طلاق آیه 2 میفرماید: «و هر کی بترسد از خدا پدید آرد برای او راه نجات و رزق دهش از آنجا که گمان ندارد.. در سوره بونس آیه 64 میفرماید: «آگاه باش هر آئینه برای دوستان خدا هیچ ترس نیست و نه ایشان اندوهگین میشوند آنان که ایمان آورند و پرهیزگاری کردند به ایشان بشارت در زندگی دنیا و آخرت است». و همچنان در سوره حجرات آیه 13 میفرماید: «همانا گرامی ترین شما نزد پروردگار پرهیزگارترین شما است».

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم میفرماید: «کسانی به من نزدیک و محبوب من هستند که دارای تقوا باشند و از هر قوم و قبیله و از کشوری که باشند. آنحضرت می فرماید: که سعادت مند و شادمان کسی است که از خدا ترس و خوف داشته و در فکر آخرت باشد، اگر یک قطره اشک از خوف خدا از چشم های خویش سرازیر کند در نزد خداوند بسیار با ارزش است.

در حدیث دیگر ذکر شده: کسی از خوف خدا بیگردد به دورخ نخواهد رفت. باید هر کس بداند که در این دنیای چند روزه هر کس از خداوند بیم و هراس داشته باشد، پس از مرگ در زندگی آخرت، هیچگونه ترس و غم نخواهد داشت و به فضل و کرم خداوند همیشه شادمان، خرم و مطمئن خواهد بود و هر کس در این جهان از خداوند ترس و بیم نداشته و در فکر آخرت نباشد و در لذت های دنیا مشغول و سرمست باشد در روز قیامت در غم و اندوه بزرگی قرار خواهد داشت و سالهای سال اشک و خون از دیدگانش خواهد چکید.

عامل و وسیله مهم و بزرگ برای تقوا و خدا ترسی هم نشینی با بندگان خاص خدا است که همیشه از خدا می ترسند و بر دستورات او عمل میکنند.

عامل و وسیله دوم تقوا مطالعه و خواندن کتاب های مفید دینی و شنیدن نوار های اسلامی است باین معنی که مسلمانان ثقافت و فرهنگ و معلومات اسلامی خود را تصحیح و اضافه نمایند.

عامل سوم این است که انسان در تنهایی و خلوت بنشیند و در فکر و اندیشه مرگ خویش قرار گیرد و پاداش و کیفرهایی را پس از مرگ بر اثر اعمال خوب و یا بد از سوی خداوند به او میرسد، تصور بنماید و در فکر خویش باشد و بیندیشد که در قبر چه حالت را خواهد داشت؟ و در میدان حشر وقتی که تمام بندگان گرد می آیند حالک چه خواهد شد؟ و

## تقوا .. /

## حقیقت تقوا چیست ؟

تقوا در اصل به معنی نگهداری یا خویشتن داری است در مقابل گناهان و به تعبیر دیگر یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات و فساد حفظ میکند و تقوا معیار فضیلت و افتخار انسان و مقیاس سنجش شخصیت او در اسلام محسوب میشود.

خداوند متعال در سوره حجرات آیه 13 میفرماید: «همان گرامی ترین شما نزد پروردگار پرهیزگارترین شماست». که آیه 13 حجرات بصورت یک شعار جاویدانی اسلام در آمده است. ضمنا باید توجه داشته باشیم که تقوا دارای شاخه ها و شعبی است مثلا تقوای مال و اقتصاد و تقوی جنسی و تقوای اجتماعی و تقوای سیاسی و غیره.

به عبارت دیگر تقوا یک احصار و دیوار محکم است در مقابل حفاظت روح از گناهان صغیره و کبیره. تقوا این است که انسان گناهان کوچک و بزرگ را ترک کند. منظور از تقوا ترک دنیا نیست که انسان انزوا و گوشه گیری کند بلکه در دل اجتماع باشد. امر به معروف و نهی از منکر کند و ترس خداوند متعال همیشه در دل وی باشد.

## دعوت

از علمای کرام و دانشمندان گرامی دعوت می نمایم تا با فرستادن تحقیقات شان برای نشر انجمن نشرات فقه اسلامی را اقتخار بخشند و همچنان از برادران و خواهران گرامی دعوت می نمایم که با فرستادن صدقات شان نشرات فقه اسلامی را تقویت نمایند. از بورد مسجد مبارک مهاجرین و قاری صاحب صفی الله صمدی تشکر می نمایم خداوند صدقه ای شما را قبول فرماید.

هنگامیکه در محضر الهی قرار می گیرم و نامه اعمال من باز شده، در جلو و پیشرویم قرار میگیرد من چه جوابی خواهم داشت و در کجا خود را پنهان سازم؟ هر کس که دساتیر فوق را در نظر داشته و به آن صادقانه عمل نماید این شاء الله او را حتما تقوا نصیب خواهد شد. خداوند متعال راجع به تقوا و پرهیزگاری در سوره آل عمران آیات 133 - 134 چنین می فرماید: «بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای متقیان و پرهیزگاران است».

همچنان در سوره آل عمران آیه 138 میفرماید: «این کتاب خدا و آیاتی مذکور حجت و بیانی است برای عموم مردم و رهنما و پندی برای پرهیزگاران». آنهايي که از مال خود بفقراء در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند، و خشم و غضب خویش را فرو نشانند و از بدی مردم در گذرند، چنین مردم نیکو کارند و خدا دوستدار و از زمره نیکوکاران محسوب می شوند. خداوند متعال در سوره انعام آیه 32 چنین میفرماید:

«این دنیا جز بازیچه کودکان و هوسرانی بیخردان هیچ نیست همانا سرای دیگر، اهل تقوا را نیکوتر است. چرا از عقل و اندیشه درین موضوع کار نمی گیرید». و همچنان در سوره انعام آیه 72 میفرماید: «و نماز بپا دارید و از خداوند بترسید که بسوی او محشور می شوید». در سوره توبه آیه 119 میفرماید: «ای اهل ایمان خدا ترس باشید و با مردان راستگو پیوندید».

حضرت ابراهیم خلیل الله دعای پر سوزی به درگاه با عظمت الله در سوره شعراء در آیاتی 77-78 و 90 چنین می فرماید: «پروردگارا! روزیکه خلق را از قبرها بر انگیزی در آن روز مرا رسوا و هلاک مگردان. آنروزیکه مال و فرزندان هیچ فایده و سود به حال انسان نرساند و تنها آنکس فایده و سود میبرد که با قلب سلیم خالی از شرک و کفر و نفاق به پیشگاه الله بیاید».

## روش فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

## جلد اول

روش فکر معاصر اسلامی تحقیق کاملاً جدید و برای اولین بار بزبان دری به طبع میرسد. این کتاب که در 510 صفحه میباشد مشکلات فکری معاصر مسلمانان را بحث میکند. در آغاز مطالعات شرق شناسی و شرق شناسان بحث شده تا هموطنان عزیز از نقش غرب در تغییر روش فکر معاصر مسلمانان معلومات ابتدائی داشته باشند. تأثیرات فکر غرب، روش فکری و نظام سیاسی و ادبی مسلمانان را فوق العاده متأثر ساخته است و تأثیرات فکر غرب عامل خارجی در انحرافات فکری و عقب گرائی مسلمانان میباشد.

حرکت های اصلاحی و مقاومت فکر استعمار غرب موضوع دیگر این بحث است. در قسمت سوم فکر اسلامی و مدارس فکری اسلامی بحث شده است. در قسمت چهارم فکر معاصر اسلامی در مسائل سیاسی بحث گردیده و مهمترین موضوع در این قسمت عبارت است از: فقه سیاسی، فقه اطاعت و فقه متغلب. قسمت پنجم حقوق انسان در روش فکر معاصر اسلامی را به بحث می گیرد. قسمت هفتم آزادی رأی، مطبوعات، عقل، فکر و اعتقاد و دین را بحث می نماید و قسمت هشتم تحت عنوان زن در روش فکر معاصر اسلامی است.

تغییر فرهنگ و ثقافت اسلامی به فرهنگ و ثقافت نا معقول و رسیدن مسلمانان از معقولیت فکری و فرهنگی و کلتوری به نا معقولیت مهمترین موضوع در این تحقیق میباشد.

مطالعه این کتاب برای جوانان افغانستان یک ضرورت است. قیمت کتاب 25 دالر و مصارف پستی داخل امریکا 6 دالر و برای خارج امریکا 32 دالر میباشد. و قیمت پستی برای هر دو کتاب یک اندازه است.

## عصر نبوت و خلافت راشد

( 1 — 40 هجری )

## تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 425 صفحه به روش معاصر از طرف انجمن نشرات فقه اسلامی بخدمت هموطنان گرامی تقدیم میشود. ضرورت دولت در فرهنگ اسلام و بحث روی اینکه آیا دولت مقدم است یا دعوت قسمت اول این تحقیق میباشد. حاکمیت خداوند در کائنات و تفاوت بین حاکمیت و حکومت و حکمیت قسمت دوم این تحقیق است. مهمترین موضوع بحث در این تحقیق مسأله قبول حکمیت از طرف حضرت علی کرم الله وجهه است و تحقیقات جدید به اثبات میرساند که حکمیت به مضمون و شکلی که در کتب تاریخ آمده صحت ندارد. در این تحقیق سیاست خلفای راشدین و برنامه های اجتماعی و اقتصادی دولت اسلامی بحث و عوامل شهادت حضرت عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم و دستهای عقب پرده و نقش استخبارات خارجی در شهادت خلفای راشدین و زعمای سیاسی دولت اسلامی برای اولین بار توضیح داده می شود.

**قیمت کتاب 25 دالر** و قیمت پست برای داخل امریکا شش دالر میباشد و مصارف پست برای اروپا 32 دالر است و نظر به قیمت مصارف پستی از فرستادن کتاب به اروپا صرف نظر میشود. کتاب را از آدرس فقه اسلامی که در پائین است میتوانید دریافت نماید.

## آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani  
201 Washington Blvd # 104  
Fremont, ca 94539  
U.S.A  
Tel ( 510 ) 979 - 9489  
[fazlghanimogaddedi@yahoo.com](mailto:fazlghanimogaddedi@yahoo.com)  
islaminfo.one